

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

## دلالت ادله نقلیه بر حرمت تجرّی

بحث رسید به این که آیا در میان ادله نقلیه - آیات و روایات - دلیلی داریم که از آن حرمت تجرّی استفاده شود؟

**مدّعی بحث:** اما قبل از بیان ادله نقلیه، باید مدّعی این بحث را روشن کنیم؛ مدعا این است که آیا عمل متجرّی من حیث هو متجرّی حرام است؟، آیا خود تجرّی حرام است؟ در این مدعا، بحث این نیست که اگر فقط يك نیت سوء نفسانی باشد، تجرّی نام دارد؛ بلکه معنای تجرّی این است که علاوه بر نیت سوء، فعلی را در خارج به قصد معصیت انجام می‌دهد، اما این فعل از مصادیق حرام نیست. پس، مدعا این است که آیا فعلی که به عنوان تجرّی از شخص صادر می‌شود - و خود تجرّی که فعل من الافعال است - حرام است یا نه؟ اینجا هم به آیات و روایات استدلال شده است و هم به اجماع؛ و ما اول آیات و روایات را عنوان می‌کنیم و بعد اجماع را.

در آیات و روایات، اول لازم است که مفاد آنها را اجمالاً بررسی کنیم و بعد ببینیم که آیا در میان این ادله نقلیه تعارضی وجود دارد یا نه؟ و در صورت تعارض، آیا قابلیت جمع بین ادله وجود دارد و این جمع به چه صورتی است؟ مرحوم شیخ در رسائل می‌فرماید: ما روایاتی داریم که بر نفی عقاب نسبت به کسی که فقط قصد معصیت کرده است، دلالت می‌کند؛ و این روایات، آن گونه که مرحوم آشتیانی در حاشیه رسائل، در بحر الفوائد عنوان کرده‌اند، متواتر هستند؛ همچنین در مقابل این دسته از روایات، روایاتی وجود دارد که از آنها استفاده می‌شود مجرد نیت و قصد، عقاب دارد و نسبت به این دسته نیز ادّعی تواتر شده است.

## بررسی طایفه اول از روایات

اما طایفه اول - (یعنی روایاتی که دلالت بر نفی عقاب به مجرد نیت و قصد معصیت دارد) -، این روایات معمولاً در جلد اول وسائل الشیعه و در ابواب مختلف از مقدمه عبادات عنوان شده است.

اولین روایتی که می‌خوانیم و صحیح السند نیز می‌باشد، این روایت است: **جمیل بن درّاج عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إذا همّ العبد بالسيئة لم تكتب عليه، (اگر عبد قصد گناه کند، عقابی برای او نیست) و إذا همّ بحسنة كتبت له (اگر قصد کند که کار خوبی را انجام دهد، برای او ثواب و حسنه نوشته می‌شود).** روایت دیگر، که این روایت نیز صحیح السند است، از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند: **إنّ المؤمن ليهمّ للحسنة ولا يعمل بها فتكتب له حسنة (برای انسان مؤمنی که نیت می‌کند**

کار خوبی را انجام دهد، اما آن را انجام نمی‌دهد، یک حسنه نوشته می‌شود) و **إِنْ هُوَ عَمَلُهَا كَتَبَتْ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ** (اگر بعد از نیت حسنه، آن را انجام هم دهد، ده حسنه برای او می‌نویسند) و **إِنَّ الْمُؤْمِنَ لِيَهْمَ بِالسَّيِّئَةِ أَنْ يَعْمَلَهَا فَلَا يَعْمَلُهَا فَلَا تَكْتُبُ عَلَيْهِ** (و اگر شخص مؤمن کار بدی را قصد کند، اما آن را انجام ندهد، گناهی برای او نوشته نمی‌شود). مضمون این طایفه از روایات، این است اگر کسی قصد داشته باشد که فعل حرامی را انجام دهد، اما عملاً آن را مرتکب نشود، بر این قصد او عقابی مترتب نمی‌شود.

حال، سؤال این است که آیا ما می‌توانیم از این طایفه از روایات برای ما نحن فیه استفاده کنیم و بگوییم در مانحن فیه هم به مقتضای این روایات، تجرّی حرام نیست؛ ظاهر این است که این روایات ارتباطی به بحث تجرّی ندارد؛ این روایات می‌گویند اگر کسی قصد معصیت کرد اما عملی را انجام نداد، گناهی ندارد؛ به عبارت دیگر، آنچه که از این شخص واقع می‌شود، فقط صرف نیت و قصد معصیت است و زائد بر این چیزی نیست؛ لیکن در باب تجرّی، شخص علاوه بر این که قصد معصیت دارد، این قصد را ابراز هم می‌کند و در خارج فعلی را به عنوان این که معصیت است، مرتکب می‌شود. تا هنگامی که شخص مرتکب فعلی نشود، هیچ کس نمی‌گوید در اینجا تجرّی واقع شده است؛ بنابراین، این دسته از روایات ارتباطی به بحث تجرّی ندارد.

## طرح یک اشکال و جواب آن

در اینجا ممکن است کسی اشکال کند و این شبهه را مطرح کند که این روایات اطلاق دارد و شامل بحث تجرّی نیز می‌شود. روایات می‌گویند اگر کسی نیت سوء داشته باشد اما معصیت را در عالم خارج انجام ندهد، بر این قصد معصیت مطلقاً عقاب نیست؛ اعم از این که قصد معصیت در ضمن يك فعلی که مصداق معصیت نیست، در عالم خارج ابراز شود یا آن که اصلاً شخص فعلی را مرتکب نشود؛ تا کنون چنین گفته می‌شد که این روایات فقط می‌گویند بر مجرد قصد، عقاب نیست؛ لکن مانحن فیه علاوه بر قصد، شخص فعلی را نیز انجام می‌دهد.

اما مستشکل می‌گویند این روایات اطلاق دارد و شامل موردی که قصد با فعلی که مصداق معصیت نیست نیز می‌شود. اگر کسی این اشکال را بیان کند، جوابش این است که اطلاق نیاز دارد به این که متکلم در مقام بیان از همان حیثی باشد که نسبت به آن تردید است؛ اما این روایات، اصلاً از این جهت - نیت معصیت مبرز داشته باشد یا نداشته باشد - در مقام بیان نیست، این روایات فقط در مقام این است که بگویند در اینجا عقاب نیست و صرف قصد اثری ندارد. اشکال دوم بر این طایفه از روایات آن است که در این روایات آمده است: **«إِذَا هَمَّ الْعَبْدُ بِسَيِّئَةٍ لَا تَكْتُبُ لَهُ»**، یعنی برای عبد سیئه (عقاب مجعول) نوشته نمی‌شود؛ اگر کسی قصد ربا کرد ولی آن را مرتکب نشد، عقابی که برای ربا وجود دارد، برای این قصد نوشته نمی‌شود؛ نوشته نشدن عقاب مجعوله، نفی نمی‌کند که از جهت دیگر و این که عنوان دیگری بر عمل مترتب می‌شود، عقاب وجود داشته باشد. این راجع به طایفه اولی از روایات.

## بررسی طایفه دوم از ادله نقلیه

اما طایفه دوم، آیات و روایاتی است که دلالت دارند بر قصد معصیت نیز عقاب مترتب می‌شود. از آیات، یکی آیه شریفه سوره بقره است که می‌فرماید: **«إِنْ تَبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تَخْفَوْهُ بِحَاسِبِكُمْ بِهَ اللّٰهِ»**، اگر آنچه را که در نفس شماست آشکار و یا مخفی کنید، خداوند آنها را مورد محاسبه قرار می‌دهد. وجه استدلال به این آیه شریفه این است که آیه صریحاً دلالت دارد بر این که نیت‌های باطنی در نفس هرچند که اظهار هم نشوند، مورد مؤاخذه و حساب قرار می‌گیرد؛ یعنی بر آنها عقاب مترتب می‌شود. جوابی که از این استدلال داده می‌شود، این است که مستدل می‌خواهد يك معنای عام و اطلاقی را از آیه استفاده کند؛ در حالی که در ادامه آیه شریفه آمده است که **«فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ»**، و این عبارت قرینه است بر آن که این نیت‌ها،

نیت‌های معصیت و گناه و... است؛ آیا از این آیه شریفه استفاده می‌کنیم که بر مطلق نیت سوء، عقاب است یا نیت گناه و معصیت عقاب دارد؟ در اینجا این نکته را نیز عرض کنم که در برخی از کلمات آمده است که اگر آیه شریفه‌ای اطلاق دارد، نیت مباح را هم در بر می‌گیرد. «**إِنْ تَبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ**»، «ما فی أنفسکم» اطلاق دارد و حتی نیت المباح را نیز شامل می‌شود. پاسخ این مطلب نیز آن است که ادامه آیه شریفه که می‌فرماید: «**فَيَغْفِرْ لِمَنْ يَشَاءُ**»، قرینه است بر این که اصلاً در اینجا بحث از اعمال خوب و مباح نیست؛ و منظور فقط امور سیئه و معصیتی است.

همچنین اگر بخواهیم بگوئیم که «**إِنْ تَبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تَخَفَوْهُ بِحَاسِبِكُمْ بِه اللّٰه**» در دایره قصد معصیت اطلاق دارد (یعنی هر نوع قصد معصیتی که کرد، عقاب دارد)، از خارج می‌دانیم بسیاری از قصدهای معصیت وجود دارد که عقاب ندارند؛ مانند قصد قتل و قصد سرقت که بر اینها عقابی مترتب نیست؛ علتش هم این است که بر اینگونه امور، توبه و لزوم توبه مترتب نیست. اگر گفته شود که بر قصد معصیت عقاب مترتب است، بلا فاصله هر زمانی که چنین قصد معصیتی واقع شود، باید به دنبال آن توبه‌ای هم به نحو وجوبی بیاید.

بنابراین، اولاً اگر هم اطلاق در دایره قصد معصیت را از آیه شریفه استفاده کنیم، لازم می‌آید که موارد زیادی از تحت آیه شریفه خارج شود و چه بسا موجب تخصیص اکثر شود که قبیح است؛ ثانیاً، جواب دوم که پاسخ بهتری نیز می‌باشد، این است که آیه شریفه به قرینه آیات قبل و بعدش، فقط در مورد شرك و نفاق است؛ «**إِنْ تَبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تَخَفَوْهُ**» یعنی چه آن نفاق یا شرکی را که قائل هستید اظهار کنید و چه آن را مخفی کنید، خداوند شما را مورد محاسبه قرار می‌دهد؛ لذا، آیه شریفه در مورد مطلق قصد معصیت نیست؛ و در نتیجه به بحث ما ارتباطی ندارد.

آیه دوم: «**إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ**»، کسانی که دوست دارند گناهی شیوع پیدا کند، خودشان گناهی را انجام نمی‌دهند اما دوست دارند که عمل حرام و گناه در میان مردم پخش شود، خداوند به آنها وعده عذاب داده است هم در دنیا و هم در آخرت؛ نحوه استدلال به آیه این است که از «**إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ**» معلوم می‌شود که کسی که نیت سوء دارد، بر این نیت سوء او عذاب مترتب می‌شود. اما جواب از استدلال به این آیه شریفه آن است که در این آیه شریفه، منظور از «**إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ**» این است که رضایت نسبت به وقوع يك گناه در عالم خارج وجود دارد، نه اینکه فقط مجرد يك امر قلبی باشد؛ یک زمان گفته می‌شود که کسی در دلش نیت حرام می‌کند، اما گاه عمل حرامی در خارج واقع شده است و شخص دیگری راضی به آن است و این عمل او را تأیید می‌کند؛ بین این دو فرق زیادی وجود دارد.

در «**إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ**»، خود فاحشه و گناهی که از شخص مؤمنی صادر شده است، یک گناه است؛ و این که دیگران از آن اطلاع پیدا کنند و فاحشه شیوع پیدا کند، گناه دومی است. در اینجا شخص نسبت به شیوع این گناه حبّ دارد و این غیر از مانحن فیه است. زیرا، ما در این بحث می‌خواهیم ببینیم آیا کسی که متجرّی است، عقاب دارد یا ندارد؟ و این آیه شریفه به هیچ وجه دلالت ندارد که صرف قصد معصیت، گناه است. بحث روایات باقی ماند و نکات خوبی نیز در آنها وجود دارد که إن شاء الله آنها را نیز فردا مطرح می‌کنیم.